



خوزستان

کشاورزی شور در سرزمین شکر!



خوزستان یعنی سرزمین مردمان خوزی یا هوزی که از کتیبه‌های داریوش تا شاهنامه فردوسی و دیگر منابع تاریخی نام آن را شنیده‌ایم، با این حال نام او با شکر و حاصلخیزی گره خورده است. این شکرستان در تاریخ از پرآب‌ترین استان‌های ایران بوده است. پنج رود بزرگ که از زاگرس سرچشمه می‌گیرند، زمین‌های جلگه خوزستان را سیراب کرده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به خلیج فارس می‌ریزند. کارون بزرگ‌ترین این رودها، بزرگ‌ترین رودخانه ایران است، این رود که از کوه‌های زاگرس مرکزی سرچشمه می‌گیرد، در نزدیکی شوشتر به آب دز می‌پیوندد و در نزدیکی ورودی اروندرود به خلیج فارس، به این رود می‌ریزد. رود کرخه سومین رود بلند ایران پس از کارون و سفیدرود است. این رود که از کوه‌های زاگرس سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مسیری نزدیک به ۵۵۷ کیلومتر، در جهت جنوب غربی به تالاب هورالعظیم در مرز ایران و عراق می‌ریزد. آب دز از زاگرس مرکزی جریان می‌یابد، پس از عبور از سد دز اندیمشک، از میان شهر دزفول می‌گذرد و در اهه کیلومتری جنوب این شهر در بند قیر به کارون می‌ریزد. این رود با حجم بالای آب در طول تاریخ شریان حیاتی کشاورزی متمرکز در منطقه بوده است. رود مارون از کوه‌های راه باریک، سفید و گل گیلک در ۳۵ کیلومتری شمال غرب یاسوج سرچشمه می‌گیرد پس از تلاقی با رود اعلاء در چم هاشم با نام جراحی به راه خود ادامه می‌دهد و پس از مشروب کردن دشت رامهرمز و رامشیر و در کل پس از پیمودن مسافتی نزدیک به ۸۳۴ کیلومتر به خورموسی و خلیج فارس می‌ریزد. رود هندیجان یا زهره از کهگیلویه سرچشمه می‌گیرد و دو سرشاخه اصلی آن دو رود آب شیرین یا خیرآباد و آب شور یا شولستان است، این رود پس از گذر از هندیجان به خلیج فارس می‌ریزد.

تغییرات اقلیمی و در کنار آن سوءمدیریت‌ها در بخش سدسازی و مدیریت آب باعث شده است پرآب‌ترین استان ایران دچار بحران کم‌آبی گردد، بحرانی که تابستان امسال بیشتر نمایان شد، هرچند این بحران از چندین سال پیش شروع شده است. سوءمدیریت‌ها نه تنها در بخش سدسازی و مدیریت آب، بلکه در زمینه کشاورزی و الگوی کشت این استان نیز می‌باشد. کشت بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی برنج، پروش ماهی و کشت گیاهان علوفه‌ای در شرایط کم‌آبی استان و عدم نظارت بر آن یکی از دلایل بحران کم‌آبی در استان خوزستان است. بدون شک دغدغه کشاورزان در نگاه اول اقتصاد خود و خانواده است تا مسائل زیست‌محیطی، با این حال این کشاورزان طبیعت و رابطه با آن را بهتر از هر کسی درک می‌کنند، چرا که می‌دانند با نگاه خدا و تلاش، معیشت خود را از همین طبیعت تأمین می‌کنند. در این شرایط که کشاورزان را بعد از بحران به وجود آمده از کشت برنج و دیگر محصولات منع می‌کنیم، به تعبیری نوش دارو پس از مرگ سهراب است. حال آنکه نوش دارویی نیز وجود ندارد و کشاورزان روستایی مجبور به ترک روستا و فعالیت کشاورزی شده‌اند که این امر خود بحران بزرگ‌تری است.

طبیعتاً بحران آب نه تنها بر محیط‌زیست خوزستان بلکه بر معیشت این استان نیز تأثیرگذار بوده است، چرا که استان خوزستان قطب تولیدات کشاورزی ایران است و بالاترین میزان اشتغال در بخش کشاورزی را دارد. طبق آمارنامه جهاد کشاورزی در سال ۸۹۳۱ استان خوزستان به تنهایی ۲/۱ درصد سطح برداشت محصولات زراعی را به خود اختصاص داده است که جایگاه اول را در ایران دارد. خوزستان حدود ۶۱ درصد از کل محصولات زراعی ایران را تولید می‌کند که بالاترین میزان تولید در ایران است. با این میزان تولید می‌توان شرایط اقتصادی خوزستان و حتی ایران را در شرایط بحران آب، خطرناک دانست. طبیعتاً نارضایتی‌های اجتماعی و بحران‌های اجتماعی از پیامدهای پیش رو در بحث بحران آب در خوزستان می‌باشد. نبود صندوق‌های حمایتی از کشاورزان به گونه‌ای که مشکلات اقتصادی آن‌ها را تا حد قابل قبولی جبران کند، نبود الگوی کشت جایگزین مناسب از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی و

همچنین نبود خرید تضمینی این محصولات باعث شده است که کشاورزان در تغییر الگوی کشت پرمصرف فعلی (با توجه به شرایط بحرانی کنونی) ناتوان باشند. بحران آب و خشک‌سالی از یک‌سو و بحران شوری آب‌های خوزستان در پایین‌دست رودخانه‌های اصلی این استان از سویی دیگر، مشکلات مدیریت کشاورزی را دوچندان کرد است. فکوری دکاهی و همکاران در مقاله خود تحت عنوان شناسایی منابع افزایش شوری آب رودخانه کارون نشان دادند که جریان رودخانه در سال‌های اخیر کاهش‌یافته و متوسط شوری آن به ۳۰۰ میکرو زیمنس بر سانتی‌متر افزایش یافته است. نتایج بررسی منابع افزایش شوری رودخانه در محدوده پایین‌دست سد مسجدسلیمان تا محل ورودی به دریا نشان داد که شوری آب رودخانه متأثر از عوامل طبیعی و مصنوعی می‌باشد که در طول مسیر وارد رودخانه می‌شوند. نتایج بررسی‌ها نشان داد، دلایل افزایش شوری رودخانه علاوه بر کاهش جریان، ورود شاخه‌های شور و سد گتوند، زهکش‌های کشاورزی، پساب صنایع، فاضلاب شهری و خانگی، نفوذ آب‌های شور زیرزمینی و جریان برگشتی از دریا به رودخانه می‌باشد. نتایج نشان داد، محدوده بند قیر تا دارخوین با طول ۲۰۰ کیلومتر یکی از پرتراکم‌ترین بازه‌های بحرانی برای ورود منابع آلاینده است.

شور شدن رودخانه کارون و دیگر منابع آبی استان خوزستان باعث شده است سرزمین شکر با کاهش عملکرد و خسارت‌های فراوانی روبه‌رو شود. کاهش عملکرد نیشکر و دیگر محصولات زراعی در تعامی گزارش‌های علمی محققان گزارش شده است. خشک شدن درختان نخل در جنوب غربی ایران به دلیل جریان برگشتی از دریا به رودخانه می‌باشد، که علت آن کم‌آبی رودخانه‌ها گزارش شده است. خشک شدن درختان نخل، کاهش عملکرد محصولات زراعی، عدم کشت در زمین‌های شور و غیرقابل کشت و همچنین تلف شدن دام‌های کشاورزان خوزستانی بحرانی است که مدیران و کارشناسان این حوزه باید به فکر کنترل آن باشند.



این بار باید نوش دارو را به سهراب رساند

در بخش اول به گزارشی از شرایط فعلی استان خوزستان از نظر بحران کم‌آبی و شوری آب پرداختیم، با این حال باید صدای کشاورزان را نیز شنید، صدای کسانی که با تمام وجود این شرایط را درک می‌کنند. در سفر به خوزستان پای صحبت کشاورزانی نشستیم که از شرایط پیش آمده نگران بودند، نگران آینده خود و فرزندانی که قرار است میراثی را به ارث ببرند که محصول آن چیزی جز نمک نیست.

در خرمشهر رسول عرب زاده را ملاقات کردم، کشاورزی که دیگر شغل اول آن مسافرخشی است نه کشاورزی، او قرار بود راه پدرش را ادامه بدهد، با این حال جریان برگشتی آب دریا از یک سو و شور شدن آب کارون از سویی دیگر، باعث خشک شدن نخلستان و زمین‌های کشاورزی آن‌ها شده است. کشت او بیشتر سبزیجات، بامیه و همچنین خرماهای نخلستان او در جزیره مینو بود، که در حال حاضر مقدار کمی از آن باقی مانده است و خرج زندگی او را تأمین نمی‌کند. خلاصه‌ای از حرف‌ها و شاید بهتر است بگوییم درد دل‌های او را می‌خوانیم.

■ رسول عرب زاده

تعام زندگی‌ام در خوزستان سپری شده است، زمان حمله عراق مقابل او ایستادیم و در این راه شهید هم دادیم، چرا که اینجا کشور ماست، اینجا خاک ماست. اما الان این خاک مرده است، شور شده است و ما دیگر نمی‌توانیم در آن کشاورزی کنیم، ولی باز اینجا را ترک نکردیم چون زندگی ما همین خاک است، حتی اگر همین مقدار اندک کشاورزی را هم نداشته باشد.

قبلاً این شکلی نبود، محصولات ما زیاد بود و جزیره مینو و اروند و حفار و دیگر مناطق همه چیز رشد می‌کرد و ما مشکلی نداشتیم، ولی الان نخل‌های ما هم دیگر رشد نمی‌کنند و کم‌کم خشک می‌شوند. نمی‌دانم مقصر چه کسی است و یا به خاطر بارندگی می‌باشد، ولی بچه‌های ما این را درک نمی‌کنند و باید برای آن‌ها غذا و پوشاک تهیه کنیم. ما شاید بتوانیم تحمل کنیم، ولی کودک من نمی‌تواند.

حتی الان ماهی هم کم شد است، قبلاً در این رودخانه (کارون و اروندرود) ما به راحتی ماهی می‌گرفتیم، الان با تور ماهی‌گیری هم ماهی صید نمی‌شود. جوان‌های ما به شهرهای دیگر رفته‌اند و دنبال کار می‌گردند، تهران، یزد و حتی عراق هم می‌روند. اینجا کار، کم شده است و کشاورزی هم دیگر سودی ندارد. از دولت می‌خواهیم به ما کمک کند، ما هم سهمی از این خاک داریم، ما هم حق زندگی کردن داریم، ما کسانی هستیم که در خرمشهر مقابل عراقی‌ها جنگیدیم، الان هم باید با مشکلات اقتصادی بچنگیم، با نبود آب و شوری آب بچنگیم. امیدوارم حرف‌های ما را به گوش همه برسانی، بگو ما شرایط سختی داریم و به فکر کمک به ما باشند.

بعد از گفتگوی دردناک با هم‌وطن عرب خود، در مسیر اهواز به اندیمشک مزارع بامیه و خیار را دیدم که عده‌ی زیادی مشغول به برداشت بودند، برای گفتگو با آن‌ها توقف کردم و به سمت آن‌ها رفتم. مهمان‌نوازی و بخشندگی این افراد کم‌نظیر است، صحبت را شروع نکرده برای ما خیار و بامیه و سبزیجات آوردند که با خود ببریم، صحبت کردن از پرداخت هزینه برای این محصولات، این مردم شریف را ناراحت کرد که سخاوتمندی این افراد را نشان می‌دهد. پای گفتگو حسن و حمید طاهری نشستیم که از جوانان روستای طواهر در ۲ کیلومتری اهواز می‌باشند. خلاصه‌ای از گفتگو را با هم می‌خوانیم:

من و برادرم از بچگی در این زمین‌ها کشاورزی کردیم و شغل اصلی ما همین کشاورزی است، من ازدواج کردم و برادرم هم ان‌شاءالله بعد از برداشت این محصول‌ها ازدواج می‌کند. خرج چند خانواده را همین زمین‌ها می‌دهد. هرچند کم شده است ولی خدا رو شکر. ما خیار، بامیه، گوجه، سبزیجات و لوبیا می‌کاریم، هر گیاهی فصل خودش را دارد و ما همیشه در حال کار کردن هستیم. برای برداشت همین محصولات همه خانواده کمک می‌کنند، مادر و خواهر و برادر و بچه‌ها هم هستند.

این چند سال آب برای کشاورزی کم شده است، اگر آب سد شاوور همیشه باشد، ما تا آخر شهریور هم کشت داریم، ولی الان آخر خرداد و تیر دیگر آب قطع می‌شود و ما دیگر نمی‌توانیم کشاورزی کنیم. آب هم کم شده هم شور، قبلاً با بامیه آب ما محصول بیشتری داشتیم، ولی الان خاک شور شده و گیاه رشد کمتری دارد.

خیلی از جوان‌های روستا برای کار به اهواز رفتند، یا توی شرکت‌ها کارگری می‌کنند یا تاکسی دارند. وقتی سود کم باشد علاقه‌ای برای کشاورزی هم وجود ندارد. این زمین‌ها خرج چند خانواده را می‌دهد، وقتی درآمد کم باشد، مجبور می‌شوند دنبال کار دیگه‌ای باشند.

الان دو گیاه را با هم کشت می‌کنیم (کشت مخلوط) تا بتوانیم با فروش یکی خرج را جبران کنیم و با فروش دیگری درآمد داشته باشیم، مثلاً خیار را با بامیه می‌کاریم، خیار برای هزینه‌های ما و بامیه برای درآمد ماست. فروش بامیه خوب است و قیمت آن هم خوب است، ولی همین بامیه را مجبوریم آخر خرداد برداشت کنیم، چون آب قطع می‌شود، اگر آب باشد تا آخر مرداد هم محصول می‌دهد.

خواستار ما از مسئولان این است که مشکل کم‌آبی را حل کنند، مشکل شوری آب را حل کنند، سم و کود و بذر گران شده است و روز به روز درآمد ما کمتر می‌شود. انتظار کمک بیشتری داریم، ما کشاورز هستیم و درآمد ما از همین زمین است، ما کارمند نیستیم که آخر ماه حقوق دریافت کنیم، اگر این زمین و آب نباشد ما هم درآمدی نداریم و خانواده ما گرسنه می‌ماند، مجبوریم از روستا مهاجرت کنیم و کارگری و مسافرخشی کنیم تا خرج زندگی را تهیه کنیم. ما از کشاورزی راضی هستیم و این کار را دوست داریم، ولی اگر برای ما درآمد نداشته باشد مجبوریم آن را ترک کنیم، مثل دیگر جوان‌های این منطقه. از شما ممنونیم که حرف‌های ما را گوش می‌دهید، ولی امیدواریم به گوش دیگران هم برسانید، شاید از وضعیت ما خبر ندارند.

با پایان یافتن صحبت‌ها و با ناراحتی که از دیدن این شرایط بوجود آمده بود، از آن‌ها خداحافظی کردم و مسیر بازگشت به دانشگاه را پیش گرفتم. مسیر اهواز تا اندیمشک مزارع بسیاری بود که مشغول به کشاورزی بودند، ولی با طی شدن مسیر تفاوت‌ها مشخص‌تر شد، چرا که بیشترین مشکل کم‌آبی و شوری آب در قسمت‌های پایین‌دست رودخانه بود، که گزارش آن در بخش اول آماده است. امیدواریم این مشکلات در خوزستان برطرف شود، هرچند این بحران در اکثر استان‌های ما دیده می‌شود و باید برای حل این بحران نگاه ملی داشت و با برنامه‌ریزی‌ها علمی و دقیق این بحران را حل نمود.

آرزوی همه مردم ایران، آبادانی است. این آرزو را تحقق بخشیم.

